شیخ الحدیث والتفسیر علامه محمد عمر سربازی(رح)

در سال 1355 هجری قمری در یکی از شبهای مبارک ذی الحجه در روستای انزاء قریه ای مربوط به منطقه ی سرباز بلوچستان طفلی از پدر و مادری پاک از سلاله ی مقدس رسول الله (ص) چشم به جهان می گشاید .

محمد عمرچون اولین پسر پدر و مادر است ، تولدش موجب مسرّت و شادی وصف نا پذیر آنان می شود و هر کدام در پهن دشت آرزوهایشان ، آینده ای زیبا و مبارک برای وی ترسیم می کنند در عین دارا بودن طبع کودکانه ، مردی بزرگ و عاقل به نظر می رسد . در همین سنین عشق مفرطی به نماز ، روزه ، ذکر و خواندن درود پیدا می کند . به اشعار عارفانه و نعت آمیز علاقه بسیار نشان می دهد و اشعار زیادی را از « دیوان حافظ» از بر دارد .

سلسله نسب ایشان بدین صورت است که در سرگذشت خود نوشت آورده اند محمد عمر ابن ملا احمد بن ملا عبدالرحمن بن ملاعبدالجلیل بن ملاکمال الدین بن سید فیروز ابن سید میرزا بن سید حسن بن سید فخر الدین بن سید شیخ عبدالله بن سید شیخ اویس بن سید شیخ بلال بن سید شیخ شهداد بن سید شیخ میر شیر ابن سید شیخ عبدالله بن سید شیخ سنجر بن سید شیخ اکرم بن سید شیخ برهان الدین بن سید شیخ عبدالعزیز بن سیدنا و مولانا و اولادنا الشیخ الاعظم و قطب الافخم و قطب الجن والانس جناب شیخ عبدالقادر جیلانی بن شیخ ابی صالخ موسی بن شیخ عبدالله الجیلی بن شیخ یحیی الزاهد بن شیخ محمد ابن شیخ موسی بن شیخ عبدالله بن شیخ موسی بن شیخ عبدالله المحض بن شیخ حسن المثنی بن سیدنا الحسن السبط بن سیدنا و مولانا اسدالله الثاقب لیث بنی غالب حضرت المرتضی امیر المومنین خلیفه چهارم علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین و ابن سیدة نساء العالمین و سیده نساء اهل الجنة بتول حضرت فاطمة الزهراء رضی الله عنها بنت سید الکائنات فخر موجودات صلی الله علیه وسلم تسلیماً کثیراًکثیراً الی یوم الدین .

در 7 سالگی به مکتب مولوی محمد گل ملازهی معروف به دیو بندی رفت. و کتابهای 5 کتاب ٬ مالابد منه و گلستان را نزد حاج غلام محمد فراگرفت. در سن 11 سالگی با خلیفه غلام محمد نقشبندی که خلیفه مجاز شاه ولی الله خراسانی بود امانیه بیعت کرد . سلسله نسبش با 33 واسطه به رسول الله میرسد. در 12 سالگی عازم پاکستان شد و در مدرسه احرار الاسلام کراچی و مظهر العلوم تحصیل نمود. پس از 3 سال اقامت در کراچی دیوان عمر را سرود. در حین تحصیل کتبی چون "خیر المقاصد" در رد غیر مقلد ها ٬ "حقیقت ایمان اسلام"٬ و "خطب 12 ماهی " را نوشت. در سال 1373 ه-ق از تحصیل فراغت یافت. در سال 1378 رساله "مکتوب العاری تلخیص العینی علی البخاری" را نوشت. و در سال 1374 ه-ق به افغانستان سفر کرد و با حضرت شاه غوث محمد مجددی ملاقات نمود. پس از بازگشت به ایران و در بین راه طرح مسجد جامع خاش را پیاده نمود. در تمام این دوران با فتنه های حکومتی چون کشف حجاب ٬ تغییر مبنای تاریخ و.. به مبارزه پرداخت. از مدارس مهم ایشان حوزه منبع العلوم کوه ون می باشد که در روستای کوه ون یکی از معتبر ترین مدارس اهل سنت ایران به شمار می آید. ایشان پس از فراغت از تحصیل جهت تزکیه ی نفس و طی مدارج سلوک و عرفان از محضر شیوخ برجسته ای همچون شیخ محمدجان هروی و سپس فرزند ایشان شیخ بهاءالدین هروی و پس از آن از محضر علامه عبدالمالک کاندهلوی رحمهم الله کسب فیض کرد.

علم فقه ، نحو ، بلاغت ، تجوید و قرائت را از قاری معروف« حافظ قاری محمد رعایت الله دیوبندی » (رح) و علم ادب ، اصول ، منطق و صرف را از عالم فاضل ، مولانا « عبدالحلیم افغانی » (رح) شاگرد ممتاز مولانا « انور شاه کشمیری » فرا می گیرد . افزون بر اینها ، در حضور اساتذه ی معروف دیگری نیز در زمینه های مختلف علمی شرف تلمّذ حاصل می کند .

زندگی هفت ساله در پاکستان ، افقی جدید و وسیع در مقابل دید مولانا می گشاید و در ضمن درس خواندن او را از نزدیک با علماء اندیشه ها ، مکاتب مختلف مذهبی و فکری و سیاسی و ... آشنا می سازد .

مولانا پس از بازگشت به ایران در سال 1380 هـجری قمری مدرسه دینی منبع العلوم کوه ون را در سرباز بنیان نهاد. شخصیت مولانا چنان تاثیرگذار بود که به مدت نیم قرن مرجع تشنگان حقیقت و معرفت بود و نقشی برجسته و بزرگ در ارشاد و راهنمایی اقشار مختلف خصوصاً علما و طلاب و توده های شیفته ی عرفان و سلوک از اهل سنت سراسر ایران داشت.

این عالم ربانی وعارف وارسته دردر ساعات آغازین روز چهارشنبه 24 صفر 1428 هجری قمری برابر با 23 اسفند ماه سال 1385 هـ.ش این دار فانی را وداع کرده به دیار باقی شتافت.

تألیفات شیخ التفسیر والحدیث

تعداد کتابها ورساله هایی که حضرت شیخ التفسیر والحدیث نوشته اند از مرز هفتاد می گذرد وبا توجه به کمبودها ونیازهای مردم در زمینه های مختلف دینی و موضوعات جداگانه دست به تالیف و تصنیف زده اند که میتوان با اطمینان ادعا کرد.مجموعه تالیفات او نسخه های موثر در رفع بیماریهای گوناگون دینی میباشد.

عنوان اغلب کتابهای حضرت ایشان بدین قرار می باشد:

تبیین الفرقان در تفسیر قرآن کریم 1-

2- احسان الباری شرح صحیح بخاری

مکتوب العاری اختصار عمده القاری 3-

4-انعام المنعم شرح صحیح مسلم

5-الطاف الودود شرح سنن ابی داوود

6- خیرالسرمدی تقریر سنن ترمذی

7- کشاف التباریخ تقاریر مشکوه المصابیح

8- تقاریر بلوغ المرام

9- فتاوای منبع العلوم کوه ون

10- مکتوبات سربازی

11- ضروریات مبلغین

12- فؤائد فاضله فی بیان الفاتحه

13- خیرالمقاصد

14- کنز الدارین

15- زادالحقیر للحاج الی بیت العلی الکبیر

16- المنجیات والمهلکات

17- الهدایه فی تحقیق الشرک فی الرساله

18- تبصره عاجله فی بیان فضائل بعض صحابه

19- اسلام وسائنس عالم

20-احداث العوام

21- ارشاد المجودین

22- قره العینین فی مقدمات الصحیحین

23- اهمیت ریش در اسلام

24- انوار دوازده گانه

25- موارد الشوارد

26-التحذیر عن ارتکاب التصویر

27- ستر شرعی

28- پیکار با اسبال ازار

29- شمشیر بران بر اشراک و بدعات دوران

30- دیوان عمر

31- سوغات برادران

32- مواعظ حسنه

33- صدای فطرت

34- حقیقت بردگی در اسلام

35- گلدسته بهارستان

36- شفاء الاسقام

37- ارغام الجاحد در دفاع از مقام علمی امام اعظم رحمه الله

38- التحقیق الوجیز فی مسئله التعویذ

39- سراغ حقیقت خلفای راشدین از دیدگاه امیر المؤمنین

40- ارمغان دوستان

41- حکم الاحکام الربوبیه

42- خلاصه الحقائق

43- فضل المیمون فی تعریفات الفنون

44- سر گذشت خود نوشت

45- گلشن جعفری در اسانید عمری

46- منظومه الآلی در عقیده

47- منثوره العوالی شرح منظومه

48- التوضیح والاعلان فی تحقیق تراویح رمضان

49- انوار ساطعه فی بیان الفاتحه

50- وتد الایمان

51- خلاصه التصوف

52- تدبیر دفع مصائب وبلیات

53- توشه ناجی شرح سراجی

54- هشدار به مسلمین

55- البینات للمتفرسین

56- پرسش وپاسخ های ارزشمند برای جوانان ارجمند

57- مقالات هفتگانه

58- نسب نامه

59- رفع اشتباهات از عدم وجود جمعه در دهات

60- شمشیر حیدری دربیان مضرات تلویز یون

61- وصیت نامه عمری

62- خورشید تابان بر بردگان بلوچستان

63- آیا بیماریها مسری هستند ؟

64- زکات اموال برای مدارس

65- رجاءالمقبول ترجمه اسوه الرسول

66- ضمائرالحکمه ترجمه بصائر الحکمه حکیم الامت

وصیت علامه مولانا محمد عمر سربازی (رح)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلقنی من اصلاب المسلمین وارحام المسلمات و منّ علینا بتوفیق الهدایة بالتوحید و الایمان و ثنّاه ببعثة الانبیاء افضل الرسل و لباب الکائنات فخر بنی عدنان- و ثلّثه بالایمان هو الآیة الکبری لمعتبر- و من هو النعمة العظمی لمغتنم صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و اتباعه اجمعین الی یوم المیزان و اشکره علی ما هدانی للاسلام و احیانی علیه و جعلنی ممّن یحسن ظنّه و یعتقد لاصحاب رضی الله عنهم صاحب قاب قوسین او ادنی و احمده علی ما جعلنی من مقلدی امام الهمام ابی حنیفة النعمان و ادخلنی فی مسلک المقبولین من الولی اللّهی الدیوبندیین ( رحمهم الله) و اسکلنی فی سلک مشرب المجدّدین الامانیین (رحمهم الله)- و ارجو من فضل الله تعالی ان یمتّنی علی اتبّاعهم و محبّتهم و یلحقنی بهم فی دار القرار و ما ذلک علی الله بعزیز.

قال الله سبحانه و تعالی: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم وَ وَصَّى بِها إِبْراهیمُ بَنیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ . أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهیمَ وَ إِسْماعیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ .

و قال النبی( صلی الله علیه وسلم): « من مات علی وصیّة مات علی سبیل ور سنّة و مات علی تقیّ و شهادة و مات مغفوراً له» .

و قال النبی(صلی الله علیه وسلم): « مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَیْءٌ یُوصِی فِیهِ یَبِیتُ لَیْلَتَیْنِ إِلَّا وَوَصِیَّتُهُ مَکْتُوبَةٌ عِنْدَهُ»( متفق علیه).

اما بعد احقر امشب که عمر بیهوده ام به 49 سال وچهار ماه و دوشب قصر رسیده است و شب جمعه ساعت هشت ونیم و دوازده ماه ربیع الثانی است- طبق نصوص بالا و به اتباع سرور و موجودات(صلی الله علیه وسلم) برای وصیتی قلم برداشتم و محرک اصلی آن مرض شدید مسمومیت احقر که در ماه شعبان عارض حالم شده بود گردید. عمر انسان اعتباری ندارد در موقعی چنان بر خورد می کند که فرصت چیزی نمی دهد. و این وصیت نامه را به سه فصل مرتب می کنم : در فصل اول وصایایی که به اولاد و احفاد واقرباء و اهل بیت و شاگردان و مریدان و دوستان تعلق دارند و در فصل سوم صایایی که به عموم مومنین از خواص و عوام تعلق دارند تحریر می کنم انساء الله تعالی. لعل الله ینفعنی و ینفعهم

فصل اول: بعد از فوت احقر

1- در تجهیز و تکفین و غسل و دفن مراعات سنّت کنند

2- در امامت جنازه امام صالح را تقدیم کنند اگر از اولیاء خودم باشد بهتر و گرنه پس هر که از صلحاءباشد و سعی در کثرت جماعت کنند.

3- اهل بیت را از حرکات نامشروع و خلاف سنت منع کنند.

4- از رسوم بدعات شب شام و سه روز و دهم و بیستم وچهلم وشش ماه و سال وغیرها خیلی پرهیز کنند.

5- رسم طعام ظاهر را اصلا ترک کنند فقط به صدقات مخفیانه غیر مشهور کفایت کنند.

6- رسم دعوات و تعزیات رسمی همه را ترک کنند که احقر در زندگی خودم از اینها بیزارم جلسه تعزیت نگیرند.

7- به ایصال ثواب تلاوت قرآن غیر رسمی و قرائت استغفار و نوافل و ادعیه حتی المقدور یاد فرمایند.

8- از مسمانان حاضر به زبان و از غائبان به وسیله کتابت در موضوع حقوقشان که بر احقر هستند طلب معافی و دعا کنند.

9- مرگم هر کجا باشد در عموم قبرستان مسلمانان دفن کنند جای مخصوص نکنند و از آنجا به جای دیگر منتقل نکنند و از یکبار بیشتر جنازه ندهند.

10- بعد از دفن به آداب سنت و مستحب بر سر قبرم چند دقیقه ایستاده ودعا کنند.

11- قبرم را از همه ی خرافات خلاف ست و بدعات مثل گنبد و پرچم و غیره خالی وساده بگذارند.

12- کسانی که بر سر قبرم خلاف سنت انجام دهند خدا ایشان را لعنت کند.

13- در امراض مشکل احقر بدون رضایت و اجازه من را به بیمارستان نبرند و در بیهوشی هم پیش دکتر نبرند و خلاف طریق شرع با احقر انجام ندهند.

14- در هنگام غسل چون که لباس سفید بعد از رسیدن آب بدن را نمایان می کند لهذا مرا در زیر چادری بسته غسل دهند و لباس ستر که در آن می شویند رنگین باشد مثل سیاه یا خاکی رنگ و فقط کفن سفید باشد وبس.

15- در قب مطابق سنت بر پهلوی راست بنهند و قبر را مقداری وسیع کنند و مقدار نشستن مردم کجگور را بلند کنند.

16- بعد از دفن چهره مرده را به مردمان نشان دادن خیلی رسم بدی است در این مورد هم احتیاط لازم را به خرج دهند.

17- اگر هر شخصی از متعلقین بنده بر سر قبرم امور نامشروعی را ببیند و آن را تغییر ندهد حق احقر را ادا نکرده است.

18- از متعلقین خود توقع دارم که گاه گاه گاهی بر سر قبر احقر آمده به طریق مسنون به دعای خیر یاری کنند.

فصل دوم: به اولاد واقرباء و احفاد واهل بیت و شاگردان و مریدان

1- بر عقائد اهل سنت و جماعت خصوصاً بر عقائد اکابر دیوبند٬ قائم و استوار باشند وبر توحید و سنت ثابت قدم واز شرک و بدعات بپرهیزند.

2- از عقائد کمونیستی و دموکراتی و بریلویان و مودودیان و غیر مقلدین و اهل قرآن و همه ی عقائد فاسده ی اهل زیغ پرهیز کنند و از صحبن ایشان مثل گوسفند از گرگ بگریزند.

3- صحبت علماء ربانیین خصوصاً علمای دیوبند و صحبت کاملین طریقت که بر عقائد دیوبندیان باشند اختیار کنند و صحبت ایشان را غنیمت دانند و از صحبت نااهلان در حد امکان اجتناب کنند.

4- از مسلمانان فاسق چنان بپرهیزید که از کفار می پرهیزید.

5- از حب دنیا و حب جاه و آزار مردم احتیاط کنند.

6-بزرگترین هدف زندگی خود را تحصیل علم دین و تعلیم آن قرار دهند.

7- عمر گرانمایه که بزرگترین نعمت های خداوندی است هر لحظه آن را به مرضیات خدا و رسول الله(صلی الله علیه وسلم) صرف کنند و بزرگترین مرض غفلت است.

8- مقاصد دین را همه وقت بر اهداف دنیوی ترجیح دهند.

9- تعلیم قرآن را و مسائل دین را قبل از همه چیز به اولاد و اهل بیت و خصوصاً دختران خود اهمیت داده و سستی نکنند.

10- مطالعه ی کتب و تعلیم دین را از بزرگترین مرام زندگی خود دانند.

11- از صحبت سلاطین و اغنیاء و متکبران و حقوق و عطایای آنها چون موش از گربه بگریزند و ترسان و لرزان باشند.

12-از مطالعه ی چنین کتب که در آن امور نامشروعه باشد دور باشند که خیلی بر دل ودماغ اثر دارد.

13- در امر به معروف و نهی از منکر ملاحظه ی هیچ کسی را نکنند و حق گویی را شیوه ی خود سازند.

14-برای این دو امر بالا حریص و جوینده باشند.

15- همیشه در فکر اصلاح امت باشند و بر عدم اصلاح آنها مغموم باشند.

16-اولاد خود را عموماً و دختران خود را خصوصاً از تعلیم های جدید و غیر هم خیلی دور دارند که این عمل مرادف اولاد کشی است که به حکم قرآن جرام است و جاهل و بی نان بودن و کسب بلدیه و شهرداری کردن ارز این علم افضل تر است و ذمه دار این گناه روز قیامت والدین خواهند شد.

17- روزانه جزیی از قرآن تلاوت کنند.

18- از چنین مجالسی که در آنها امور نامشروعه خصواً عکس گرفتن باشد دور گردند و چنین دعوات را قبول نکنند و در عروسی هایی که امور نامشروعه باشد نروند.

19- حق هیچ مسلمان را پایمال نکنند و مال کسی رابه غیر از اجازه دست نزنند.

20- کسی را تکلیف ندهند و غیبت کسی را نکنند و بر هیچ احدی افترا و تهمت نبندند.

21- در خانواده ها و اهل بیت خود ستر شرعی را جاری کنند.

22- در محل عدل و حقوق شرعی ملاحظه اقوام و خویشاوندان خود را نکنند بلکه رضای حق و عدالت شرعی را در نظر دارند.

23- تا می توانند نماز ها را با جماعت و در وقت مختار ادا کنند.

24- بر زیر دستان و مزدوران و مظلومان رحم کنند.

25- بر همه ی ذی روح ها شفقت و ترحم اختیار کنند و ظلم را بر کسی روا ندارند.

26- بر دست مرشدی کامل ومکمل ومتشرع و متبع سنت بیعت کنند و فکر اصلاح خود کنند.

27- اکرام مهمان و مراعات حال او را در نظر داشته و همیشه در فکر مراعات حال همسایه باشند.

28- هیچ گاه چنین کاری نکنند که موجب سوء ظن و تهمت مردمان قرار گیرند.

29- کاری که موجب سوء استفاده ی کهتران گردد از آن دور باشند.

30- در خاتمه به یک وصیت جامع اکتفاء می کنم که با خالق خود پیدا و نهان طبق رضای او زندگی کنید و با خلق خدا چنان بسازید که نا خالق ناراض شود ونه حق شرعی مخلوقی ار دست شما ضایع گردد.

چند وصیت مخصوصه برای اولاد و احفاد خود

1-سعی کنند که در امور خیر بر روش اسلاف خود رفتار کنند.

2- علم وعرفان را شیوه ی خود گردانند.

3- حلم وصبر و سخا را زیب روح و تن خود گردانند.

4-به تهذیب و تعلیم و تعلم خود و اهل بیت خو دو دیگر مسلمانان ساعی باشند.

5- از اختلاف و دو دستگی با یگدیگر بپرهیزند و اگر یکی بی حوصلگی کرد آن دیگری بردباری را اختیار کند.

6- تقوی را همیشه مقتدای خود کنند.

7- مواسات و همدردی را با یکدیگر اختیار کنند.

8- اموال احقر را مطابق شریعت تقسیم کنند و هیچ احدی حق دیگری را ضایع نکند.

9- کتبی را که احقر دارم همه وقف این مدرسه منبع العلوم هستند و اگر خدای نخواسته این مدرسه را حادثه ای پیش آمده به مدرسه ی دیگر که در آن خدمت دین بیشتر باشد بدهند.

10- همه وقت متولی این وقف اخیارترین اولاد من هستند.

11- محبوب ترین اولاد من کسی است که عمر خود را به خدمت دین و تعلیم و تعلّم وقف کند و هر که این کار را کرد او حق واجبی احقر را ادا کرد است واو را خداوند قدوس در دو جهان سبز گرداند و سرفرازی و پیروزی دارین عطا فرماید.

12- اولاد احقر از سوال کردن از دیگران خیلی پرهیز کنند و هر چه بخواهند از مولای خود خواهند.

13- اگر فرصت داشتند هر چه که ار مسوّدات و نوشته ای بنده مانده که به چاپ نرسیده است ٬ به چاپ برسانند.

14- دوستان و همسایگان احقر را بعد از وفاتم عزیز نگه دارند.

15- خدمت وجانبازی مدرسه منبع العلوم را بر خود لازم دانند و همه وقت در ترقی و بهبودی آن بکوشند.

16- هر اولاد و احفاد احقر که قرآن را حفظ کرد یا علم را تحصیل کرد حق بنده را ادا کرده است و آن را به دیگران برساند.

17- هر کوچک تر ار اولاد احقر احترام برادر و خواهر بزرگتر و خصوصاً احترام والده را در نظر دارد.

18- از هر فتنه وفساد ذاتی و قومی ملی احتیاط لازم گرفته باشند.

19- خصوصاًن اولاد واحفاد احقر ستر شرعی را در خانواده ی خود لازم گرفته باشند.

20- چون که سلسله نسب اولاد وآباء ما به سند ضعیف به سادات می رسد از صدقات واجبه بپرهیزند ٬ رزق را از خدای خود بجویند.

21- در موضوع سلسله ی ازدواج ونکاح همیشه محتاط باشند که با آدم بی دین و کم دین نپیوندند و دختران خود را به فسّاق و فجّار ندهند تا امکان بهتری باشد و از رشته ی نسبی رشته ی دینی را ترجیح دهند .اگر خویشی وفامیلی بد باشد و بیگان های نیک باشد از خویشاوندان به بیگانه بپیوندند.

22- فرزندان اساتید و فرزندان مشایخ احقر اگر برخورد کردند خیلی احترام دارند مگر آنکه بی دین ودیانت باشند.

23- بدون ضرورت شدید به پزشکان مراجعه نکنند خصوصاً زنان را نبرند .( البته زن را پیشدکتر زن بردن جایز است).

24- در کارهای آتیه عجله نکنند و با تدبر و مشوره و استخاره کار کنند.

25- مکانات هر چه هستند مال اهلیه و فرزندان کوهند وشهریان حقی ندارند و مکانات شهر مال اهلیه و فرزندان شهر هستند و کوهیان حقی ندارند.

26- بر قومی که تا از تو امید نفعی دنیوی دارد حلقه به گوش تو می شود و همین که نفع دنیوی فوت شود دشمن می گردد ٬ برابر است که شهری باشد یا کوهی٬ عامی باشد یا عالم اعتماد نکند و راز خود را به ایشان نگوید وبر قول ایشان اعتماد نکند ٬ چرا که ایشان ملاحظه ی استاد وپدر ومادر و عالم و خویشاوندان را ندارند و هدف شان فقط وفقط همان نفع دنیوی است و بس واگر یکی را چهارده علم درس دهی اینقدر ممنون احسان تو نمی گردد که به او پنج تومان بدهی و ایت تجربه 25 ساله ی احقر است.

فصل سوم: وصایایی که متعلق به عموم مومنین اند

1- باید دانست که مدار انسانیّت و کمال و تکمیل مقام بشریت و فرا گرفتن مقبولیّت از حضرت احدیت ( جلّ جلاله) موقوف بر دو چیز است ٬ یکی چنگ زدن به طاعات الله ( جلّ جلاله) و اطاعت رسول الله ( صلی الله علیه وسلم) و دوم خدمت خلق عموماً و اتحاد با اقشار مسلمین. آنچه عوام فهمیده اند که مدار کمال و مقبولیّت تکثیر عبادات وعلوم و دانش غیر معتبر٬ بلکه مردود است به دلیل آنکه مقبول ترین گروه بعد الانبیاء ( علیهم الصلوة والسّلام) حضرات صحابه( رضی الله عنهم) به اتفاق امّت اجابت و تا همچون به فکر کامل دیده شود ثابت می گردد که این مقام ایشان را از برکت اطاعت و اتحاد رسیده بود نه از تکثیر اشیاء دیگر.

2- معنی اطاعت این است که در هر امر کلی وجزئی طریق سنت جناب رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) را ملاحظه کنند خصوصاً در فرائض و واجبات از جنبه ی اوامر و در جنبه ی مناهی محرمات و مکروهات را.

3- باید که تقوی ر ازیب تن وروح خود سازید و هر قدر که در تقوی پایت محکم تر گردد مقبولیت بیشتر می گردد و تمام امور دنیوی تو از رزق و غیره از حیث لا تحتسب تکفل کرده می شوند.

4- جان من ! توحید و سنّت را لباس ایمان خود بدان ٬ اگر در این دو چیز خدا نخواسته سهل انگاری کردی ایمان خودرا برهنه و بی پرده کردی که به خوبی در بارگاه حضرت اللهی( جلّ قدرته) نمی ارزد.

5- صحبت اهل دل را غنیمت دان٬ مثل صحبت آب صاف که چون جسم و لباس کثیف گردد راهی غیر از صحبت آب ندارد ٬ همین طور چون عوام باطن انسان کثیف گردد غیر از ذکر خدا و صحبت اهل دل طریقی دیگر ندارد. به قول پیر رومی:

قال را بگذر مرد حال شو پیش مرد کاملی پامال شو

و به قول دیگری:

گرنه علم فوق قال بودی کی شدی بنده اعیان بخاری خواجه نساج را

6- احترام و مجلس علمای ربانیین را غنیمت لازوال باید شمرد و باید دانست که عدم احترام و عدم التزام صحبت و مجالس و علمای ربانیین خوف سوء خاتمه و تخریب نسل بشر را دارد العیاذ بالله٬ و دشمنی ایشان سمّ قاتل و موجب سوء خاتمه است. به قول سعدی شیرازی

بس که تجربه کردیم در دیت دیر مکافات با دردکشان هر که در افتاد ٬ برافتاد

7- ذکر خداوند متعال را سرمایه ی دوجهان باید دانست به هر اعضاء از زبان یا قلب یا غیره که باشد.

8- تلاوت قرآن مقدس را هر مقداری از حفظ باشد یا ناظره(روخوانی) در هر شبانه روزی مصلح حیات و ممات خود باید شمرد که مثمر حیات طیبه و ابدی است و متکفل تمام مهمات دینینه و دنیویه است.

9- برای اصلاح دل خود نزد مصلحین٬ نزدیکی باید کرد و خدمت شان را بر خود باید لازم گرفت و خاک پای ایشان باید شد. به قول سعدی شیرازی(رح)

شبان وادی ایمن گهی به مراد که چند روز بجان خدمت شعیب کند

10- سعی کنید که اثر این چند چیز در قلب و دماغت نرسد و گرنه با شتابی در دام نفس و شیطان می افتید چرا که اینها دام فریب نفس و شیطانند برای گمراهی بشر: یکی حبّ دنیا ٬ دوم حسد ٬ سوم کینه ٬ چهارم خشم و غضب ٬ پنجم بخل٬ ششم حبّ جاه و ریاست ٬ هفتم ریا و خودنمایی و خودرانی ٬ هشتم کبر و غرور ٬ نهم عجب و خود پسندی ٬دهم بی رحمی بر خلق و ظلم ٬ یازدهم بریدن صله ی رحمی ٬ دواردهم مخالفت والدین و اساتذه و مشایخ و علمای ربانیین.

11- سعی کن که ضد اخلاق های رذیله ی بالا در دل و دماغ تو به جد وجهد اوصاف حمیده جایگزین گردد.

12- گمان نبرید که رد و تبدیل این صفات ذمیمه در قدرت بشر نیست ٬ بلکه انسان مختار و قادر است بر تبدیل این همه البته تخریج آنها کلاً در قدرت او نیست.

13- برای تربیت اولاد خود و مسلمین در عمر خردسالی ایشان سعی کرده باشی تا به راه دین وقرآن بیفتند و در سن خردسالی این اشیاء در دل هایشان نقش گردند همین است طریق پایداری مذاهب دین و دنیا.

14- امر به معروف و نهی از منکر را لازم باید گرفت به قدر قدرت خود و حسب مقتضای وقت وزمان

15- از تیلیغ و جماعت آن وقتاً فرقتاً حصه باید گرفت.

16- خدمت خلق و رحم علی الخلق را طره ی ناز وسرمایه دوجهانی و بزرگترین وسیله قرب مقبول خود باید شمرد. اگر چه خدمتی کوچک و دنیوی باشد اما همه به اخلاص باشد.

طریقت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

17- طلب دانش و مطالعه کتب دینی راهنمای بزرگ وسبب بزرگی است برای نجات بشر از گمراهی.

18- مطالعه ی تفاسیر و احادیث و فقه سدّ اعظم بشر است از عقایده فاسده و از وقوع در مکاید چیگرایان و شیادان دنیا.

19- مطالعه ی کتب اخلاقیات و حالات بزرگان را بر خود لازم دانند که از مطالعه ی آنها همیشه موفق به بندگی و محفوظ از دام شیطانی می مانید.

20- ذکر صحابه و تاریخ شان را لازم باید گرفت که از مطالعه ی آنها سلامتی ایمان و جذبه احکام دین وجهاد اسلامی پیدا می گردد.

21- در موضوع تنقید صحابه ( رضی الله عنهم) قول وقلم و دلیل کسی را اعتماد نباید کرد اگر چه آن شخص امام مذهبی و علامه ی زمانی و قطب ولایتی و مورخ معتبری باشد اگر اعتماد کردی از ایمان و مقبولیت تو پرده برخاست.

22- بزرگترین وسیله تقرب و مقبولیت دربار خداوندی دفاع از حریم صحابه و انتشار بزرگی و فضائل و مقام صحابه است به قلم باشد یا به زبان.

23- همیشه بر سلف صالحین و عموم تابعین و تبع تابعین ( رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) حسن ظن باید داشت.

24- در حد توان این کمینه را نیز در دعاها یاآورده باشید.

25- دینا مسمانم ٬ ملتاً ابراهیمی ام ٬ شعارا سنی ام٬ و پیرو ماتریدیه ٬ نصبا حنفی ام و مشرباً مجددی نقشبندیه هستم و مسلکاً دیوبندی ام و وطنّاً سربازی ام و انزائی و اقامتاً کوه ونی خدا آبادیم٬ نسباً حسنی ام و حسینی ام٬ اعتماداً علی اقوال و مکاتیب اجدادی.

وآخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین

حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه.

محمد عمر سربازی نقشبندی مجددی

1405 هجری قمری- کوه ون سرباز - ایرانشهر